





### امام جواد (علیه السلام) در کلام و حیاتی قرآن

بعد از رسول اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) که اسوه کامل مکتب اسلام و احیاگر راستین توحید و نفی شرک و پیروی از طاغوت است، ائمه معصومین (علیه السلام) حجت خدای تعالی و اسوه و سرمشق عملی مؤمنین می باشند که در طول زندگانی افتخار آمیز خود به منظور دعوت الی الله و سوق دادن انسانها به سوی صفات و رفتارهای نیک، تلاش بسیار نموده اند. قرآن به عنوان بزرگترین پشتوانه برای اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است و بر اساس حدیث ثقلین و به فرموده حضرت رسول (صلی الله علیه و اله وسلم)، قرآن کریم و اهل بیت (علیه السلام) قرین یکدیگرند. بنابراین آشنایی با شخصیت فردی و اجتماعی، خصایص و ویژگیهای عملی و رفتاری زندگانی هر یک از ایشان در عصر حاضر لازم و ضروری است و تأثیر به سزایی بر شخصیت و رفتار انسانها دارد. حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) معروف به جواد الائمه (علیه السلام) نهمین امام، پیشوا و سنگربان تشیع با پشتوانه مدد الهی و شخصیت منبعث از آموزه های ناب قرآنی می باشد.

عاملی برای آراستگی اشاره دارد و می فرماید یا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشًا (اعراف، ۷ / ۲۶)؛ «ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه زینت شماست».

حضرت امام جواد (علیه السلام) علاوه بر صفای باطنی به آراستگی ظاهر برای حضور در اجتماع اهمیت می دادند. یکی از زمانهای بروز آراستگی، در نماز و برای اعلام ادب صحبت با پروردگار است که مورد توجه ایشان بوده و علی بن مهزیار درباره سنت رفتاری ایشان و آراستگی با لباس چنین می گوید: زَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي الْقَرِيصَةَ وَ غَيْرَهَا فِي جُبَّةٍ خَزِ طَارُونِي وَ كَسَانِي جُبَّةً خَزِ وَ ذَكَرَ أَنَّهُ لَيْسَ بِهَا عَلَيَّ بَدَنُهُ وَ صَلَّى فِيهَا وَ أَمَرَنِي بِالصَّلَاةِ فِيهَا؛ امام محمد تقی (علیه السلام) را دیدم که نماز واجب و سنت و مستحب را در جبه خز طارونی نوعی خز است، یا بنا بر بعضی از نسخه ها طاروی یا خز یمنی به جا می آورد، و به من نیز جبه ای از خز بخشید و یادآوری فرمود که آن را به تن خویش کرده و در آن نماز گزارده است، و به من هم فرمود که در آن نماز کنم. (من لايحضره الفقيه، ۱/ ۲۶۲/ ح ۸۰۷).

#### توجه به مساکین:

یکی از اصلی ترین علل فشارها و تهدیدهای اجتماعی، نابرابری درآمد با توجه به توزیع ناعادلانه ثروت و پیدایش طبقات اجتماعی بر اساس درآمد و امکانات در اختیار آنان است که طبقه فقیر و ثروتمند دو سوی این طیف اقتصادی هستند. آثار گوناگون فقر در جامعه اسلامی و ظهور یأس و ناامیدی، فقرزدایی را به عنوان یکی از اولویتهای برنامه های اقتصادی جامعه اسلامی نمایان می سازد و وجود الگوی عملی برای دستگیری از مساکین، نویدی برای امید به زندگی برای فقرا و مساکین همیشه نگران حال و آینده خواهد بود؛ تا حاکمیت سرمایه نتواند ارزش والای انسان را لگدکوب نماید. توجه به وضعیت معیشت فقرا و مساکین، یکی از وظایفی است که حضرت امام جواد (علیه السلام) خود را مأمور به انجام آن می دانستند. اسماعیل بن عباس هاشمی می گوید: جِئْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عِيدِ فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ ضَيْقَ الْمَعَاشِ فَرَفَعَ الْمُصَلِّيَ وَ أَخَذَ مِنَ الثَّرَابِ سَبِيكَةً مِنْ دَهَبٍ فَأَعْطَانِيهَا فَخَرَجْتُ بِهَا إِلَى السُّوقِ فَكَانَ فِيهَا سِتَّةَ عَشَرَ مِثْقَالاً مِنْ دَهَبٍ؛ روز عید بود که خدمت امام جواد (علیه السلام) رسیدم و نزد آن حضرت در باره تنگی زندگی و معاش، نالیدم. حضرت سجاده اش را بلند کرد و از خاک، تکه طلائی بیرون آورد، و به من داد. آن را به بازار بردم به اندازه شانزده مثقال طلا بود (الخرائج و الجرائح، ۱/ ۳۸۳، بحار الأنوار، ۵۰/ ۴۹، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ۲/ ۳۶۸).

و این گونه است که حضرت مصداق عملی این آیه شریفه از قرآن کریم است که میفرماید «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره، ۲/ ۲۷۴)؛ «کسانی که اموال خود را در شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می کنند، آنها را در نزد پروردگارشان پاداشی است در خور مقامشان، و [در آخرت] نه بیمی بر آنهاست و نه اندوهی خواهند داشت».

#### تواضع و فروتنی:

طبق آموزه های قرآنی فروتنی و تواضع بندگان خالص خدا اینگونه معرفی می شود «وَ عِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ

#### ولادت و اسامی و القاب امام (علیه السلام)

حضرت امام محمد تقی، جواد الائمه (علیه السلام) در سال ۱۹۵ هجری، در شهر مدینه در شب جمعه نیمه ماه مبارک رمضان به دنیا آمد. (تاج الموالید / ۱۲۸؛ إعلام الوری / ۳۴۴ مناقب ابن شهر آشوب، ۴/ ۳۷۹؛ كشف الغمة، ۲/ ۳۴۳)؛ به نقل از دلایل الإمامة، محمد بن جریر طبری (۳۸۳). و در سال ۲۲۰ هجری به شهادت رسید. (مناقب ابن شهر آشوب، ۴/ ۳۷۹؛ والذی فی سائر المصادر أنه (علیه السلام) استشهد فی أول ملك المعتصم، و هو الموافق للصواب حيث إن ملك المعتصم امتد بین - ۲۷۷- ۲۱۹هـ - انظر تاج الموالید / ۱۲۸؛ إعلام الوری / ۳۴۴؛ كشف الغمة، ۲/ ۳۶۹).

نسب حضرت محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف و کنیه ایشان ابا جعفر، و کنیه خاص ایشان ابو علی و از جمله القاب ایشان الزکی، و المرتضی، و التقی، و القانع، و الرضی، و المختار، و المتوکل، و الجواد است.

نام مادر حضرت ریحانه با کنیه أم الحسن است و نیز گفته شده که نام مادرش سبیکه و یا خیزران است. (تاریخ الأئمة / ۳۰؛ الهدایة الکبری / ۲۹۵؛ تاج الموالید / ۱۲۷؛ مناقب ابن شهر آشوب، ۴/ ۳۷۹؛ إعلام الوری / ۳۴۵؛ كشف الغمة، ۲/ ۳۴۳؛ الفصول المهمة / ۲۶۵).

#### شیوه های رفتاری و شخصیت قرآنی امام جواد (علیه السلام)

سیره و شیوه های عملی حضرت امام جواد (علیه السلام) که منطبق بر شیوه های قرآنی است.

#### آراستگی ظاهر:

یکی از لوازم رسیدن به تعالی روحی، توجه به سالم سازی جسم است. بر این اساس دین مبین اسلام بر نظافت و آراستگی به عنوان یکی از ضروریات حضور در اجتماع تأکید دارد. خداوند متعال در قرآن کریم از لباس به عنوان



«آیا او، آن را درحرم کشته یا خارج از آن؟ دانای به مسأله و حکم بوده یا جاهل؟ از روی عمد کشته یا به خطا؟ بنده بوده یا آزاد؟ صغیر بوده یا کبیر؟ بار نخستش بوده یا قبلاً نیز انجام داده؟ صید از پرندگان بوده یا از دیگر جانوران؟ کوچک بوده یا بزرگ؟ بر کاری که کرده اصرار دارد یا نادم است و پشیمان؟»

یعنی: قصد توبه دارد یا نه- آیا در شب و در لانه اش آن را کشته یا به روز و آشکارا؟ آیا آن فرد در حال احرام حج بوده یا احرام عمره؟ [با شنیدن این توضیحات] یحیی به گونه‌های درمانده و زبون شد که آن امر بر هیچ یک از اهل مجلس پوشیده نماند، و همه از پاسخ امام (علیه السلام) غرق در حیرت شدند (تحف العقول عن آل الرسول/ ۴۵۲).

#### احسان به والدین:

قرآن در چهارسوره احسان به والدین را اشاره نموده و بلافاصله آن را بعد از مسأله توحید قرار داده است. این هم ردیف بودن دومی سألها بیانگر این است که اسلام تا چه حد برای پدر و مادر احترام قائل است. پدر و مادر از جایگاه والایی برخوردار هستند به گونه‌های که قرآن کریم برای رعایت جایگاه، مقام و شأن ایشان دستورات تربیتی را ارائه نموده و می فرماید: وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (اسراء ۲۳/۱۷)؛ «و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هر گاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو.»!

بنابراین یکی از این پیوندها در اجتماع کوچک خانواده و با پدر و مادر است. والدین و فرزندان یک سلسله حقوق و تکالیف متقابلی نسبت به هم دارند که اگر درست فهمیده و به آن عمل شود، فرد تضمینی برای سایر پیوندهای اجتماعی و در سطوح مختلف خواهد داشت. پیوند با خدا در صورتی اثر بخش است که پیوند خانوادگی در سایه رعایت حقوق و وظایف متقابل متجلی گردد. حضرت امام جواد (علیه السلام) بر اساس منش قرآنی همواره شیعیان را به رعایت حقوق والدین بر اساس تعالیم آموزه های قرآن کریم و از جمله احسان به آنها سفارش می نمود.

بکر بن صالح گوید: دامادم به امام جواد (علیه السلام) نوشت: پدرم مرد ناصبی بد اعتقادی است و از جانب وی با شداوند و زحماتی چند رو برو گشته‌ام، در صورت صلاحدید درباره من دعا کنید، و بیان فرمائید که نظرتان در این باره چیست؟ آیا با وی به دشمنی و پرخاش برخیزم یا مدارا نمایم؟ حضرت در پاسخ نوشتند: «نوشتات را فهمیدم و به آنچه درباره پدرت یاد کرده‌ای پی بردم، و این شاء الله در باره تو دست از دعا نمی کشم، و مدارا برای تو بهتر از دشمنی و پرخاشگری است، و همراه با هر مشکلی آسانی است، صبر را پیشه ساز که عاقبت از آن پرهیزکاران است، خداوند تو را بر ولایت آن کس که ولایتش را پذیرفته‌ای ثابت بدارد، ما و شما در امانت خدائیم، همان خدائی که اماناتش ضایع و تباه نگردد.» بکر گوید: پس از آن خداوند دل پدر او را مطابق میل وی برگرداند به طوری که در هیچ چیز با او مخالفت نمی ورزید.

قَالُوا سَلَامًا (فرقان، ۶۳/۲۵)؛ «بندگان [خاص خداوند] رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند؛ و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند [و سخنان نابخردانه گویند،] به آنها سلام میگویند [و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند].»

پس مؤمنین، هم نسبت به خدای تعالی تواضع و تذلل دارند و هم نسبت به مردم چنین هستند، چون تواضع آنان مصنوعی نیست، واقعا در اعماق دل، افتادگی و تواضع دارند (المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۳۹/۱۵).

دستیابی به فرصتی تربیتی برای آموزش مکارم اخلاق همواره در سیره عملی معصومین (علیهم السلام) مورد توجه بوده است. از این روست که گسترش تواضع و فروتنی با کمترین امکانات مادی ظاهری، جهت تنظیم مسائل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهان اسلام طبق آموزه‌های قرآن در سیره عملی و شخصیت قرآنی حضرت امام جواد (علیه السلام) نیز مشهود است.

خیران خادم گفت: در زمان حضرت جواد (علیه السلام) عازم حج شدم حال آن جناب را از خدمتکاری که نزد ایشان موقعیتی داشت پرسیدم و درخواست کردم مرا خدمت ایشان ببرد. وارد شدم حضرت جواد (علیه السلام) بالای یک سکوی بلند ایستاده بود که فرشی برای نشستن نداشت غلامی با جانماری آمد و آن را پهن کرد امام (علیه السلام) نشست. همین که چشم من به آن جناب افتاد هیبت و مقامش چنان مرا فرا گرفت که ترسیدم خواستم بالای سکو بروم بی آن که پای بر روی پلکان گذارم امام اشاره کرد که پلکان آنجاست بالا رفته سلام کردم دست خود را به جانب من دراز کرد گرفتم و بوسیدم و بر روی صورت خود گذاشتم با دست خود مرا نشانند من دست آن جناب را رها نکردم از هیبتی که مرا گرفته بود امام نیز دست خود را نکشید همین که حالت وحشت از دلم رفت، دستم را رها کردم از حالم جويا شد (بحار الأنوار، ۱۰۶/۵۰).

#### علم و حکمت:

دارایی علمی، ویژگی خاص تأثیرگذار بر پویایی، تعالی، قدرت و آراستگی حضرت امام جواد (علیه السلام) است. ایشان با آراسته شدن به زیور علم، آمادگی رویارویی با شرایط اجتماعی و توانمندی حل مسایل و مشکلات پیچیده جامعه را داراست و از این روست که علم حضرت در جهت بیان حقانیت اندیشه های شیعی قرار می گیرد.

حضرت امام جواد (علیه السلام) در هنگامه بروز شبهات و دشمنی برای تضعیف جایگاه رفیع شیعه با شمشیر علم خود، از دین محافظت می نماید و به گونه‌ای یادآور علم لدنی اوست که قرآن کریم به آن اشاره دارد «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» (کهف، ۶۵/۱۸)؛ «در آن جا [بندگانی از بندگان ما را یافتند که رحمت [و موهبت عظیمی] از سوی خود به او داده، و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم.»

برای ارزیابی علمی حضرت امام جواد (علیه السلام) مأمون گفت: ای یحیی از ابوجعفر مسأله‌ای فقهی پیرس تا دریابی جایگاه او در فقه و علم دین چگونه است، یحیی گفت: ای ابوجعفر- خداوند بر صلاحیت بیفزاید- درباره فردی که در حال احرام، شکاری را بکشد نظرت چیست؟ حضرت (علیه السلام) فرمود:



### صبر و بردباری:

یکی از راه‌های رسیدن به قرب خداوند صبر در برابر اتفاقات دنیای پیرامون هر انسانی است که قرآن بر آراستگی انسان به زیور صبر در لحظات مواجهه با شرایط دشوار در زندگی تأکید فراوان دارد و از این روست که قرآن کریم صبر برای خداوند را به عنوان درمانی مؤثر برای انسان تجویز مینماید و چنین میفرماید: «وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ» (مدثر، ۷/۷۴)؛ «و برای پروردگارت شکیبایی کن». امام جواد (علیه السلام) نیز با شخصیت و هویت قرآنی‌اش در مقابل مصائب و گرفتاریهای روزگار، مانند: همسر ناشایست، ستمهای حاکمان مستبد، و ناملیمات چون شهادت پدر، شکیبا و بردبار بودند.

مردی از حضرت جواد (علیه السلام) تقاضا کرد که وی را سفارشی بنماید. امام (علیه السلام) فرمود: «آیا اگر موعظه کنم، آن را پذیرفته و عمل می کنی؟» گفت: بلی. امام فرمود: «تَوَسَّدَ الصَّبْرَ وَ اعْتَنَقَ الْفَقْرَ وَ اَزْفَضَ الشَّهَوَاتِ وَ خَالَفَ الْهَوَىَّ وَ اَعْلَمَ اَنَّكَ لَنْ تَخْلُوَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ فَانظُرْ كَيْفَ تَكُونُ؛ تکیه بر صبرکن و به فقر درآویز، و شهوات را رها کن و مخالفت با هوای نفس نما و بدان که تو از دیده خدا مخفی نیستی، دقت کن چگونه باید باشی». (تحف العقول عن آل الرسول/ ۴۴۵).

حضرت امام جواد (علیه السلام) در نامه‌ای به یک مرد مصیبت زده که از مصیبت از دست دادن فرزند غمگین بود چنین نگاشت: «أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَخْتَارُ مِنْ مَالِ الْمُؤْمِنِ وَ مِنْ وُلْدِهِ أَنْفُسَهُ لِيَأْجُرَهُ عَلَيْهِ ذَلِكَ؛ آیا نمی دانی که خداوند عز و جل از مال مؤمن و فرزندان او میگیرد تا وی را بر این امر ماجور کند». (کافی، ۲/۳۶۳؛ مشکاة الأنوار/ ۲۸۰).

### صلابت در دینداری:

در حیات اجتماعی استواری و محکمی بر عقاید یکی از مهمترین مؤلفه های مانایی است. طمع دشمنان نسبت به شخصی که صلابت عقیده ندارد، تحریک میگردد و این عدم صلابت بسان موریانهای هویت فرد را از درون و تهدیدات خارجی از بیرون او را تهدید می کنند. با این نگاه دین مبین اسلام بر سر اصول معامله و سازش نمی‌کند؛ پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) در ابلاغ وحی ذره‌ای کوتاه نیامده و اهل مدهانه نبوده است و قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ \* وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ» (کافرون، ۳/۱۰۹-۴)؛ «و نه شما آنچه را من می‌پرستم می‌پرستید، و نه من هرگز آنچه را شما پرستش کرده اید می‌پرستم».

حضرت امام جواد (علیه السلام) نیز بسان شخصیت پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) که منبعث از آموزه های قرآنی است این صلابت در عقیده و دینداری را در حیات اجتماعی خود به منصفه ظهور گذارده است. محمد بن ربیع می‌گوید: مأمون خیلی سعی داشت که به نوعی حضرت امام جواد (علیه السلام) را به لهو و لعب وادارد ولی امکان پذیر نبود شب عروسی دخترش صد کنیز از کنیزان ماهرو را در اختیار من گذاشت تا هر یک با جامی از جواهر که در دست داشتند به استقبال حضرت جواد (علیه السلام) بروند در حالی که حضرت در محلی که برای داماد ترتیب داده بودن، نشسته بود. ولی امام (علیه السلام) به هیچ کدام از آنها توجه نکرد.

مردی به نام مخارق عودنواز بود و ضرب می‌زد و می‌خواند، ریش بلندی

داشت مأمون او را خواست. مخارق گفت اگر امری در مورد کارهای دنیا داری من از عهده آن برمی‌آیم - منظورش این است که از من کار آخرت ساخته نیست ولی بازیگری و نوازندگی هر چه بگوئی از من می‌آید. روبروی حضرت امام جواد (علیه السلام) نشست شروع کرد به خواندن چنان با صدای بلند آغاز نمود که تمام ساکنین خانه گرد او جمع شدند مشغول نواختن عود و خوانندگی شد ساعتی به کار خود سرگرم بود حضرت امام جواد (علیه السلام) به او اعتنائی نکرد، به جانب راست و چپ نیز توجه نکرد در این موقع سر برداشت، فرمود: «إِنَّكَ اللَّهُ يَا ذَا الْعُتُونِ؛ از خدا بترس ای ریش دراز». یک دفعه مضرب و عود از دستش افتاد دیگر تا زنده بود نتوانست با آن دست کاری انجام دهد. مأمون پرسید چه شد چنین شدی.

گفت همین که ابوجعفر حضرت امام جواد (علیه السلام) صدای خود را بلند کرد چنان وحشت مرا فرا گرفت که هرگز دیگر خوب نخواهم شد». (بحار الأنوار، ۵۰/۶۱).

### عفو و گذشت:

یکی از فضایل اخلاقی، عفو و گذشت از حقوق خود است؛ زیرا عفو از مصادیق احسان است. و در اخلاق بر احسان به دیگری تأکید بسیار شده و آموزه‌های قرآنی و روایی نیز بر این خصوصیت اخلاقی تشویق و ترغیب کرده است. بنابراین عفو پسندیده، عفوی است که فرد با قدرت بر انتقام، از خطای شخصی که به او ستم کرده بگذرد. چنانکه خداوند متعال در قرآن کریم چنین می‌فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (أعراف، ۱۹۹/۷)؛ [به هر حال] با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر، و به نیکی‌ها دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان [و با آنان ستیزه مکن].

حضرت امام جواد (علیه السلام) با تأسی از روش و سلوک قرآنی، با عفو و گذشت در برخورد با دشمنان و مخالفان در زندگی موجب عزت و سربلندی خود و به تبع آن، مجد و عظمت و پیروزی دین مبین اسلام را فراهم نموده است. برای تبیین این وجه از شخصیت حضرت به گوشه‌های از سیره ایشان می‌پردازیم.

إِنَّ الْمُعْتَصِمَ دَعَا جَمَاعَةً مِنْ وَرَثَتِهِ فَقَالَ اِسْهَدُوا لِي عَلَى مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى زُورًا وَ اُكْتَبُوا أَنَّهُ ارَادَ أَنْ يَخْرُجَ! ثُمَّ دَعَاهُ فَقَالَ إِنَّكَ ارَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ عَلَيَّ فَقَالَ وَ اللَّهُ مَا فَعَلْتُ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ. قَالَ: إِنَّ فُلَانًا وَ فُلَانًا شَهِدُوا عَلَيْكَ فَأَحْضَرُوا فَقَالُوا نَعَمْ هَذِهِ الْكُتُبُ اخَذْنَاهَا مِنْ بَعْضِ غِلْمَانِكَ قَالَ: وَ كَانَ جَالِسًا فِي بَيْتِهِ فَرَفَعَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدَهُ وَقَالَ: «اللَّهُمَّ إِنْ كَانُوا كَذَبُوا عَلَيَّ فَخُذْهُمْ قَالَ فَتَطَلَّزْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْبُتْهُوَ كَيْفَ يَزْجُفُ وَيَذْهَبُ وَ يَجِيءُ وَ كَلَّمَا قَامَ وَاحِدًا وَقَعَ! فَقَالَ الْمُعْتَصِمُ يَا بَنَ رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي تَائِبٌ مِمَّا قُلْتُ فَادْعُ رَبَّكَ أَنْ يَسْكَنَهُ فَقَالَ اللَّهُمَّ سَكِنَهُ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُمْ أَعْدَاؤُكَ وَ أَعْدَائِي فَسَكَنَ.»

معتصم گروهی از وزیران خود را خواست به آنها دستور داد به دروغ گواهی دهند که محمد بن علی بن موسی (علیه السلام) تصمیم به خروج و قیام دارد. بعد حضرت جواد (علیه السلام) را خواست و گفت تصمیم داری در دولت من قیام کنی؟ فرمود: «به خدا قسم چنین تصمیمی ندارم». معتصم گفت: فلان کس و فلانی بر کار تو شهادت می دهند، آنها را حاضر کردند. گفتند صحیح است ما این نامه‌ها را از بعضی غلامان تو به دست آورده‌ایم. حضرت



کاغذی به دست گرفته چنین نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم آوردنده نامه من نقل کرد که شما دارای مذهبی پسندیده هستی، بدان آنقدر از این مأموریت برای تو بهره خواهد بود که به مردم نیکی کنی، نسبت به برادران خود نیکوکار باش، بدان که خدای عزیز از تو باز خواست خواهد کرد حتی از یک ذره کوچک و دانه سپنجی».

راوی می‌گوید وقتی وارد سیستان شدم حسین بن عبدالله نیشابوری والی و فرماندار قبلا از جریان نامه اطلاع حاصل کرده بود دو فرسخ به استقبال من آمد نامه را به او دادم بوسید و روی چشم گذاشت و گفت چه حاجت داری. گفتم یک مالیاتی دارم که در دفتر تو مبلغ آن یادداشت شده دستور داد آن را از بین ببرند و گفت تا وقتی من فرماندار باشم مالیات از تو نخواهم گرفت بعد پرسید زن و فرزند چه داری، تعداد آنها را گفتم، مقداری که مخارج من و آنها را تأمین می‌نمود به اضافه مبالغ دیگری به من بخشید تا وقتی او زنده بود از من خراج نگرفت و از لطف و عنایت و بخشش او بی بهره نبودم، تا از دنیا رفت (بحار الأنوار، ۵۰/۸۶).

#### قرین قرآن:

خداوند متعال ضمن معرفی شخصیت و هویت قرآن و توصیف آن به مبارک بودن چنین می‌فرماید: «وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ» (انبیاء، ۲۱/۵۰)؛ «و این [قرآن] ذکر مبارکی است که [بر شما] نازل کردیم؛ آیا شما آن را انکار می‌کنید؟».

قرآن ذکری است ثابت و دائم و کثیر البرکات، هم مؤمن از آن بهره مند می‌شود و هم آسایش کافر را در جامعه بشری تأمین نموده است، و خلاصه همه اهل دنیا از آن منتفع می‌گردند، چه آن را قبول داشته باشند و چه نداشته باشند چه به حقانیت آن اقرار داشته باشند و چه منکر آن باشند (المیزان، ۲۹۶/۱۴). حضرت امام جواد (علیه السلام) نیز بسان قرآن کریم که برای همه انسانها پر برکت است، مولودی پر برکت در عالم تشیع معرفی شده است. از آبی یحیی صنعانی روایت شده است که: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ (علیه السلام) فَجِئَ بِإِينِهِ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) وَ هُوَ صَغِيرٌ فَقَالَ نَعَمْ يَا يَحْيَى: « هَذَا الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يُولَدْ فِي الْإِسْلَامِ مِثْلُهُ مَوْلُودٌ أَعْظَمُ بَرَكَتَةً عَلَى شَيْعَتِنَا مِنْهُ»؛ خدمت حضرت رضا (علیه السلام) بودم پس فرزندش آبی جعفر (علیه السلام) را که کودکی خردسال بود نزد او آوردند، فرمود: «این است آن مولودی که پر برکت تر از او برای شیعیان ما فرزندی زائیده نشده است». (ارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ۲۷۹/۲؛ کافی، ۳۲۱/۱؛ إعلام الوری بأعلام الهدی/۳۴۷؛ روضة الواعظین ۳۲۷/۱؛ مسند الإمام الرضا (علیه السلام)، ۲۱۰/۱).

#### شاگرد پروری:

دین مبین اسلام در گرو توجه و اهتمام به روشهای گوناگون است. گاهی این موضوع با جهاد و گاهی با فراگیری دین اتفاق می‌افتد به گونه‌ای که در قرآن کریم به این مهم اشاره شده است و خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيُنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبة، ۱۲۲/۹)؛ «شایسته نیست مؤمنان همگی [به سوی میدان جهاد] کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند؟ [وظایفه‌ای در مدینه بماند]، تا در

امام جواد (علیه السلام) در اطاق جلو بود دستهای خود را بلند کرده گفت: «خدایا اینها را بگیر اگر دروغ می‌گویند». یک مرتبه دیدم اطاق جلو چنان به حرکت در آمد به گونه‌ای که می‌رود و می‌آید. هر کدام از ایشان که تصمیم به حرکت کردن می‌گیرد، به زمین می‌افتند. معتصم صدا زد یابن رسول الله (صلی الله علیه و اله وسلم) من از حرف خود توبه می‌کنم از خدا بخواه که اطاق از حرکت بایستد. حضرت نیز دعا نمودند که: «خدایا اطاق را آرام فرما تو میدانی ایشان دشمن تو و من می‌باشند»، و اطاق آرام گرفت (بحار الأنوار، ۵۰/۴۵).

#### مسئولیت پذیری در کودکی:

منشأ ایجاد مسئولیت به طور ریشه‌ای و عمیق از باور حضور خداوند و اعتقاد به معاد و آخرت سرچشمه می‌گیرد. مسئولیت پذیری دارای ساحت‌های مختلفی است؛ و پذیرش مسئولیت الهی در سطح اجتماعی در سنین کودکی بر اساس آیات قرآنی در مورد انبیای الهی مورد تأیید قرار گرفته است. به عنوان نمونه خداوند متعال در قرآن کریم در مورد حضرت یحیی (علیه السلام) چنین می‌فرماید یا یحیی خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا (مریم، ۱۲/۱۹)؛ «ای یحیی! کتاب [خدا] را با قوت بگیر! و ما فرمان نبوت [و عقل کافی] در کودکی به او دادیم»!

و از این روست که مسئولیت پذیری حضرت امام جواد (علیه السلام) در سنین کودکی یکی از مصادیق مباهات شیعه به شخصیت قرآنی و شباهت‌های ایشان به انبیای الهی همچون حضرت یحیی (علیه السلام) و حضرت عیسی (علیه السلام) است.

#### دعوت به خیر جمعی:

انجام هر نیکی از اقسام خیر به شمار می‌آید. افراد در جامعه انسانی و ایمانی باید در انجام کار نیک و پرهیز از رذایل و بدیها به یکدیگر کمک کنند. دعوت به خیر جمعی راهکاری شایسته برای حفظ جامعه از تشتت و ایجاد وحدت اجتماعی و تبدیل آن به گفتمان عمومی جامعه است. از این روست که دعوت به خیر جمعی برای اخلاقی نمودن جامعه امری ضروری است و برای دستیابی به این مهم تعاون و همکاری برای انجام خوبیها از اصول مهم حاکم بر جامعه می‌باشد. خداوند متعال در تعبیری این دعوت به انجام نیکیها را مدنظر داشته و می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» (آل عمران، ۱۰۴/۳)؛ «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی کنند».

بنابراین این دعوت به انجام خیر در سیره و شخصیت حضرت امام جواد (علیه السلام) و در حمایت از مردم و رفع گرفتاریهای آنان نمایان است.

احمد بن زکریا صیدلانی از شخصی اهل سیستان که از بنی حنیفه به شمار می‌رفت، نقل کرد که آن مرد گفت من با حضرت امام جواد (علیه السلام) در آن سالی که به حج رفته بود، همسفر بودم. اول خلافت معتصم سر سفره نشسته بودیم گروهی نیز از مأمورین سلطان هم بودند. عرض کردم آقا فدایت شوم فرماندار شهر ما ارادتمند به شما خاندان است، من در دفتر مالیاتی او مقداری مقروضم اگر صلاح بدانی نامه‌ای بنویسی که به من کمک کند. فرمود: «او را نمیشناسم». عرض کردم همان طوری که توضیح دادم او از ارادتمندان به شما خاندان است نامه شما برای من سودمند است. حضرت (علیه السلام)



# ویژه نامه شهادت امام جواد علیه السلام



- دین [و معارف و احکام اسلام] آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید [از مخالفت فرمان پروردگار] بترسند، و خودداری کنند»!
- بنابراین یکی از مهمترین اقدامات فرهنگی حضرت امام جواد (علیه السلام) در راستای توجه به مقتضیات زمان و با تمسک به آموزه‌های هدایتگر قرآن کریم این بود که به تربیت شاگردان و یارانی که در منابع نام ۱۱۳ نفر از آنان مانند: ابوهاشم داود بن قاسم جعفری، نوح بن شعیب بغدادی، علی بن مهزیار اهوازی، ریان بن شیب و... آمده است، همت گمارده است.
- با توجه به این که ائمه معصومین (علیهم السلام) حجت خدای تعالی و اسوه و سرمشق عملی مؤمنین می باشند و قرآن کریم نیز به عنوان بزرگترین پشتوانه ایشان است لذا آشنایی و عمل به سیره اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) تأثیر به سزایی بر شخصیت و رفتار انسانها دارد. میان سیره عملی امام جواد (علیه السلام) به عنوان اسوه و الگوی قرآنی، با مکتب قرآن کریم، پیوستگی، انطباق و ارتباط عمیق و ریشه داری وجود دارد و بر اساس روایت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) که فرمودند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»، دین قیم اسلام مبتنی بر کتاب و سنت است که منشاء علوم و معارف اسلامی، عقاید و خلاقیات، عرفان و تفسیر و کلام و... می باشند. بنابراین، این دو ثقل گرانبه، تا قیامت توأم، تفرق ناپذیر، عروة الوثقی ایمان و هدایت و ایمنی بخش از کفر و ضلالت اند. (محمد بن حسن، صفار؛ بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (صل الله علیه و له وسلم). ج ۱، ص ۴۱۳ و ابوصادق سلیم بن قیس، هلالی؛ کتاب سلیم بن قیس هلالی (اسرار آل محمد (صل الله علیه و له وسلم))، ج ۲، ص ۶۴۷).
- از این رو پس از قرآن کریم، هیچ چیز در میان مسلمانان همچون سنت نبوی و سیره اهل بیت نبوت (علیهم السلام) مورد اهتمام و عنایت نبوده است؛ چرا که اخبار و احادیث صادر شده از این معادن حکمت و حیانی، ملاک و مرجع عقیده و عمل مسلمانان است. لذا راه سعادت و کامروایی معنوی در پیروی از قرآن و عترت منحصر بوده و گام زدن در راههای دیگر، گمراهی و یا به بیراهه رفتن است و تمسک به این دو منبع بیکران، وظیفه هر مسلمان است و نخستین گام برای این تمسک، آگاهی از محتوای این دو گنجینه گرانبها می باشد.

